

مقدمه :

یکی از راه های اثبات خداوند تبارک و تعالی راه تجربه است. مقصود از راه تجربه در این جا ، آن است که آدمی با مطالعه در جهان پیرامون خویش به وجود خداوند رهنمون گردد. شایان ذکر است که با توجه به امتیازات ویژه ای در این راه (که به آن اشاره خواهیم کرد) قرآن کریم توجه خاصی را به آن مبذول داشته و در آیات زیادی ، آدمی را به تدبر در سایر پدیده های عالم ، به مثابه آیات و نشانه های تکوینی خداوند فرا خوانده است. با این حال ، چنین به نظر می رسد که حکیمان و متکلمان اسلامی آنچنان که شایسته است بر این راه عمومی و هموار خدانشناسی تاکید نورزیده اند.

خدانشناسی مبتنی بر مطالعه تجربی پدیده ها و موجودات عالم هستی معمولاً در غالب « برهان نظم » (دلیل نظم) مطرح می شود.^۱ پیش از توضیح این برهان لازم است چند نکته را یادآور شویم :

۱. با مروری کوتاه بر آرای حکیمان متکلمان مسلمان در این باب ، به خوبی روشن می شود که در ماهیت، مقدمات آنچه که معمولاً « برهان نظم» یا برهان « اتقان صنع » نامیده می شود ، اختلاف نظر شدیدی وجود دارد . گروهی آن را استدلالی عقلی که از مقدمات تجربی سود میبرد ، میدانند و گروهی دیگر آن را صرف بیانی برای بیدار کردن فطرت های خفته و یادآوری معرفت فطری انسان به خدای خویش بشمار می آورد .

همچنین درباره مقدمات (مبادی تصوری و تصدیقی) این برهان نیز دیدگاه های متعددی وجود دارد. برای مثال ، معانی مختلفی برای «نظم» در نظر گرفته شده است . و در اینکه چگونه می توان از وجود پدیده های منظم به شناخت خدا رسید ، اتفاق نظری وجود ندارد . از سوی دیگر ، گروهی این برهان را برای اثبات اصل وجود خدا بکار میگیرند و جمعی دیگر ، آن را صرفاً برای اثبات برخی صفات الهی ، مانند صفت علم و حکمت ، کارآمد میدانند.^۲

۲. همانگونه که گفتیم ، برهان نظم ، خواه آن را استدلالی برهانی بشمار آوریم یا صرفاً دلیل اقتناعی یا جدلی قلمدادی کنیم ، به دلیل ویژگی های خاص خود همواره مورد اقبال خاص و آن بوده است برخی از این ویژگی ها از این قرار است :

الف) ارتباط نزدیک مقدمات این برهان با شرایط تجربی و ملموس و گاه شگفت انگیز باعث شده که به راحتی اندیشه ها را به خود جلب کند و با وجدان عمومی انسانها پیوندی عمیق برقرار نماید.

ب) خالی بودن برهان نظم از مفاهیم و قواعد پیچیده فلسفی کار فهم را برای عموم آسان کرده و آن را از پیچیدگی های رایج عدله فلسفی محفوظ داشته است .

ج) نزدیکی مذموم این برهان با محتوای بسیاری از آیات قرآنی از یکسو سبب انس و الفت خاص متدینان با آن شده است و از سوی دیگر تأکیدی است بر هماهنگی و همخوانی عقل و وحی .

ه) با توجه به ویژگی های یاد شده ، برهان نظم – در مقایسه با دیگر براهین خدانشناسی بخش موثری در تقویت ایمان دینی متدینان ایفا میکند.

۱. هر چند گروهی از محققان ، خدانشناسی مبتنی بر نظم را « برهان » (به معنای دقیق کلمه) ، به دلیل شیوع استعمال اصطلاح « برهان نظم » ، ما با صرف نظر از مخالفت یاد شده ، از تعبیر « برهان » استفاده میکنیم.

۲. برای مقایسه آرای برخی اندیشمندان معاصر ر . ک : علامه طباطبایی: المیزان ، ج ۱۸ ، ص ۱۵۴ ؛ شهید مطهری ، علل گرایش به مادیگری (مجموعه آثار ، ج ۱ ص ۵۳۷-۵۵۱) ؛ مصباح یزدی ، محمد تقی ، آموزش عقاید ، ج ۱-۲ ص ۶۶-۷۶ ؛ سبحانی ، جعفر ، الهیات علی هدی الكتاب والسنة والعقل ، ج ۱ ، ص ۳۳-۵۹ ؛ جوادی آملی ، عبدالله ، تبیین براهین اثبات خدا ، ص ۲۳۸-۲۴۳ .

۳. برهان نظم ، به رغم امتیازات فراوانش ، در منابع کهن کلامی چندان مورد توجه جدی متکلمان قرار نگرفته و در بسیاری از منابع کلامی ذکری از آن به میان نیامده است . از معدود کسانی که به برهان نظم اشاره کرده اند میتوان به فخر رازی از متکلمان اشعری و محقق لاهیجی از متکلمان امامیه اشاره کرد . فخر رازی در کتاب المطلب العالیه تقریر های مختلفی از دلیل نظم را مطرح میکند ؛ اما به اعتقاد او ، این عدله تنها در صورت انضمام و دیگر عدله خداشناسی موجب یقین به وجود خداوند میشود . محقق لاهیجی نیز ، در کتاب گوهر مراد ، پس از اثبات اینکه نظام هستی نظام احسن است ، آن را دلیلی بر حکیم بودن خداوند (نه اصل وجود او) میدانند .

نظم چیست؟

قبل از توضیح برهان نظم و بررسی آن لازم است نظری به معنای نظم در این بحث داشته باشیم. با تأمل در معنای لغوی و کاربردهای زبانی واژه «نظم» به این نتیجه می‌رسیم که برای تحقق نظم وجود سه عنصر ضرورت دارد:

۱. مجموعه‌ای از چند شیء

۲. عامل پیوند دهنده‌ی اشیاء مزبور

۳. آرایش و ترتیب خاص بین آنها

به عبارت دیگر هر جا سخن از نظم به میان آید، با مجموعه‌ای سر و کار داریم که عامل خاصی اجزای آن مجموعه را به هم پیوند داده و آرایش و ترتیب ویژه‌ای در میان آنها برقرار کرده است. به عبارت فنی‌تر نظم از مقولات ثانی فلسفی است که برای فراهم آمدن منشاء انتزاع آن باید امور یاد شده محقق شوند.

با توجه به این معنای عام، نظم اقسام کلی متعددی می‌یابد که در این میان آنچه در برهان نظم مورد نظر است نوع خاصی است که برای تحقق آن باید:

۱. مجموعه‌ای از اشیاء مادی داشته باشیم؛

۲. اعضای این مجموعه به صورت طبیعی (بدون دخالت عوامل انسانی یا دیگر مخلوقات ذی‌شعور خداوند) در کنار هم قرار گرفته باشند؛

۳. اعضای این مجموعه با یکدیگر کاملاً هماهنگ بوده؛ غایت و هدف خاصی را دنبال کنند.

بنابراین، وقتی در برهان نظم سخن از نظم موجود در جهان به میان می‌آوریم، مقصود ما نظم است که خصوصیات یاد شده را داشته باشد.

تقریر ساده‌ای از برهان نظم :

صورت ساده برهان نظم از دو مقدمه تشکیل می‌یابد:

۱. عالم طبیعت پدیده‌ای منظم (دارای نظم) است.

۲. هر پدیده منظمی دارای ناظمی مدبّر و با شعور است.

نتیجه ترکیب دو مقدمه فوق آن است که عالم طبیعت، ناظمی مدبّر و با شعور (یعنی همان خداوند) دارد.

همان‌گونه که گفتیم در تفسیر هریک از دو مقدمه برهان نظم استدلال و نیز در تعیین نتیجه‌ای که از آن به دست

می‌آید، اختلاف نظر وجود دارد که در اینجا تنها به بخشی از آن که دخالت بیشتری در بحث ما دارد اشاره می‌کنیم:

مقدمه نخست برهان نظم :

مقدمه نخست استدلال به چند صورت مختلف تفسیر شده است:

الف) مقصود از منظم بودن عالم طبیعت آن است که بر تمام جهان به مثابه یک «کل»، نظام واحدی حکم‌فرماست و تمام جزای آن با یکدیگر هماهنگی و همخوانی کامل دارند و همگی هدف واحدی را دنبال می‌کنند. در این تفسیر، کل جهان طبیعت همانند انسانی است که تمام اعضا و جوارح او، بلکه تمام سلول‌های بدنش، در طرحی هماهنگ و منظم عمل می‌کند و با یکدیگر رابطه‌ای متقابل دارند و هدفی واحد را پی‌گیری می‌نمایند.

ب) جهان مجموعه‌ای از مجموعه‌های هماهنگ و منظوم است. بر اساس این تفسیر، تک‌تک پدیده‌های جهان، بدون استثنا، منظمند و درهریک که بنگریم، مجموعه‌ای نظام‌مند می‌یابیم که اجزای آن، در پرتو هماهنگی با یکدیگر، هدف واحدی را دنبال می‌کنند. از خردترین ذرات مادی گرفته تا ستارگان و کهکشان‌ها، کوه‌ها، دریاها، گیاهان، حیوانات و بالاخره بدن انسان‌ها، هرکدام مجموعه‌ای منظم و هدفمندند که با هماهنگی درونی شگرفی به ساز و کار خود ادامه می‌دهند.

ج) بخشی از پدیده‌های جهان طبیعت، منظمند. در این تفسیر، تکیه بر آن است که فی الجمله در عالم طبیعت پدیده‌های منظمی وجود دارد. این تفسیر اصراری بر اثبات منظم بودن همه پدیده‌های عالم نمی‌ورزد و معتقد است که برای نتیجه‌گیری از برهان نظم لازم نیست عالم را یک کل منظم و هماهنگ (تفسیر اول) و یا حتی مجموعه‌ای از پدیده‌های منظم (تفسیر دوم) بدانیم؛ بلکه همین قدر که در گوشه و کنار عالم اشیا و پدیده‌های منظمی بیابیم، برای اثبات مدعی ما کافی است.

به هر تقدیر در مقدمه نخست برهان نظم، بر اساس شواهد تجربی و مشاهدات عینی عالم خارج، ادعا می‌شود که جهان، به یکی از سه معنای یاد شده منظم است.

مقدم دوم برهان نظم :

در مقدمه دوم ادعا می‌شود که وجود هر پدیده منظمی مستلزم وجود موجود با شعور و مدبری است که بر اساس آگاهی و علم خویش، اجزای درونی پدیده مزبور را با هماهنگی و آرایش خاص و به منظور وصول به هدف مشخصی در کنار هم نهاده و آن را بر اساس طرح حکیمانه‌ای منظم ساخته است. بنابراین، در مقدمه دوم ادعا می‌شود که بین وجود نظم و وجود ناظم (نظم‌دهنده) با شعور و حکیم، نوعی ملازمه وجود دارد.

از آن جا که این ملازمه بدیهی نیست، لاجرم باید آن را با دلیل دیگری اثبات کرد و بخشی از اختلالات موجود در میان محققان، به نحوه اثبات این مقدمه مربوط می‌شود. ما در میان روش‌های مختلفی که برای اثبات ملازمه بین وجود پدیده منظم و وجود ناظم با شعور به کار گرفته شده است، به روش عقلی اشاره می‌کنیم:

برای اثبات عقلی مقدمه دوم می‌توان گفت که براساس قانون علیّت، نه تنها وجود معلول از وجود علت حکایت می‌کند، بلکه ویژگی‌های معلول نیز بیانگر اوصاف علت است. بر این اساس، عقل آدمی (با توجه به قانون علیّت) حکم می‌کند که پدیده منظم نه تنها علتی دارد بلکه علت آن باید موجودی باشعور، حکیم و مدبر باشد؛ زیرا اجزای یک مجموعه منظم باید به ترتیب خاصی در کنار هم قرار گیرند تا بتوانند با هماهنگی هدف مطلوب را تأمین کنند. بدیهی است که این ترتیب خاص باید بر اساس طرح مدبرانه‌ای انجام پذیرد؛ چرا که در موارد بسیاری، تعداد حالت‌های تألیفی محتمل بسیار زیاد است و گزینش یکی از این حالت‌ها، بدون دخالت شعور و آگاهی ممکن نیست.

نتیجه‌گیری از برهان نظم :

تا کنون وضعیت دو مقدمه اصلی برهان نظم تا حدودی روشن شد. هماهنگی که گفتیم، در مقدمه نخست، بحث بر سر پدیده‌های طبیعی منظم است که بدون دخالت انسان انتظام یافته، با هماهنگی اجزای درونی خود غایت خاصی را دنبال می‌کنند. از این رو، به انضمام مقدمه دوم می‌توان وجود ناظم با شعور و حکیمی را که نظام‌بخش کل عالم طبیعت

یا دست کم پدیده‌های منظم موجود در آن است، ثابت کرد. حال این سؤال مطرح می‌شود که آیا اثبات چنین موجودی مساوی با اثبات خداوند است؟

در پاسخ به این پرسش، گروهی معتقدند که این استدلال نمی‌تواند اصل وجود خدا را ثابت کند؛ بلکه تنها ثمره آن این است که نشان می‌دهد خداوند دارای علم و حکمت و تدبیر است.

اما رأی دیگر آن است که این برهان در اثبات وجود خداوند کامیاب است؛ منتها خداوند را نه بعنوان «واجب الوجود» یا «محرک نخستین» یا «محدث (احداث کننده) جهان»، بلکه بعنوان «ناظم جهان» ثابت می‌کند.

بنابراین، نتیجه برهان نظم اثبات این مطلب است که موجودی ماورای طبیعت وجود دارد که بر اساس علم و آگاهی خویش، عالم طبیعت و پدیده‌های موجود در آن را انتظام می‌بخشد و از میان وضعیت‌های ممکن بی‌شمار، وضعیت خاصی را در جهان مقرر می‌کند که بر اساس آن، پدیده‌های عالم به صورت منظم و هماهنگ، اهداف خاصی را پی می‌گیرند ... و این موجود کسی جز خداوند نیست.

با توجه به آنچه گفته شد، معلوم می‌شود که برهان نظم، اوصاف دیگر خداوند، مانند «وجوب وجود» یا «توحید (وحدانیت)» را ثابت نمی‌کند؛ اما نباید این واقعیت را نقصی برای این برهان به شمار آورد؛ زیرا هدف آن اثبات همه‌ی اوصاف الهی نیست و اساساً چنین نتیجه‌ای را از هیچ برهان دیگری نیز نمی‌توان انتظار داشت.

اگر بخواهیم نتیجه نهایی این بحث را به صورت فشرده بیان کنیم، باید بگوییم جهان طبیعت یا دست کم بخشی از پدیده‌های آن، مجموعه‌ای منظم است؛ به این معنا که ترتیب اجزای آن و پیوند آنها به گونه‌ای است که اهداف مشخص و غایات خاصی را دنبال می‌کند. پدیده‌های منظم عالم طبیعت بسیار فراوانند و آدمی انتظام و هدفمندی را در حوزه بسیار وسیعی می‌یابد. از کوچکترین ذرات هسته‌ای تا بزرگترین کهکشان‌ها همگی بر اساس نظام خاصی عمل می‌کنند و کوه‌ها و دریاها و گیاهان و حیوانات و ... هماهنگی خاصی را به نمایش می‌گذارند.

این انتظام غایتمندانه که جلوه‌های آن را در سرتاسر عالم می‌توان یافت، حاکی از وجود ناظم مدبری است که از ورای طبیعت به آن انتظام می‌بخشد و این ناظم کسی جز خدا نیست.

برهان نظم در قرآن:

قرآن کریم در آیات بسیاری از پدیده‌های مختلف طبیعی یاد می‌کند و آنها را «آیه» و نشانه‌ای بر وجود خداوند می‌داند و انسان را به تدبّر و تأمل در آن فرا می‌خواند تا شاید از این طریق به معرفت خدای خویش نائل گردد. این شناخت که گاه از آن به «شناخت آیه‌ای» تعبیر می‌شود، با آنچه که در برهان نظم دنبال می‌شود، قرابتی تام دارد. پیش از آن که نمونه‌هایی از این آیات را ذکر کنیم، جا دارد این مطلب را متذکر شویم که در تفسیر این آیات و جایگاه آنها چند دیدگاه مختلف وجود دارد:

الف) گروهی از محققان، این آیات را مقدماتی برای تشکیل یک استدلال عقلی (شبهه آنچه که در تبیین برهان نظم گفتیم) بر وجود خداوند و علم و حکمت او می‌دانند.

ب) بر اساس تفسیر دیگری، این دسته از آیات صرفاً موجب یادآوری معرفت فطری انسان به خدای خویش می‌شوند و شأنی جز تذکر و غفلت‌زدایی ندارند.

ج) رأی سومی بر آن است که این آیات درصدد جدال احسن با مشرکان است؛ مشرکانی که به غلط بت‌ها و معبودهای دروغین خود را در کار تدبیر برخی امور دنیا دخیل می‌دانستند و درک درستی از توحید ربوبی خداوند نداشتند.

پس از اشاره‌ای کوتاه به دیدگاه‌های مختلف در تعیین جایگاه شناخت آیه‌ای، اینک برخی از آیات قرآنی این باب را مرور می‌کنیم و به منظور رعایت اختصار، در هر مورد به ذکر نمونه‌ای اکتفا می‌کنیم و برای انسجام بیشتر بحث، در ذیل هر آیه روایتی متناسب با آن را می‌آوریم.

گروهی از آیات، انسان را به تفکر در نشانه‌ها و آیات تکوینی خداوند در سراسر هستی فرا می‌خوانند: مسلماً در آفرینش آسمانها و زمین و در پی یکدیگر آمدن شب و روز برای خردمندان نشانه‌هایی است. (آل عمران:

۱۹۰)

در حدیث جامعی از امام صادق(ع) می‌خوانیم:

ای مفضل! نخستین عبرت و دلیل بر خالق - جلّ و علا - هیأت بخشیدن به این عالم و گردآوری اجزا و نظم آفرینی در آن است؛ زیرا اگر با اندیشه و خرد در کار عالم، نیک و عمیق تأمل کنیم هر آینه آن را چون خانه و سرایی می‌یابی که تمام نیازهای بندگان خدا در آن آماده و گرد آمده است. آسمان، همانند سقف، بلند گردانیده شده؛ زمین به سان فرش گسترانیده شده؛ ستارگان چون چراغهایی چیده شده و گوهرها همانند ذخیره‌هایی در آن نهفته شده و همه چیز در جای شایسته خود چیده شده است. آدمی نیز چون کسی که این خانه را به او داده‌اند و همه چیز آن را در اختیارش نهاده‌اند. همه نوع گیاه و حیوان برای رفع نیاز و صرف در مصالح او در آن مهیاست. اینها همه دلیل آن است که جهان هستی با اندازه‌گیری دقیق و حکیمانه و نظم و تناسب و هماهنگی آفریده شده و آفریننده آن یکی است و او همان شکل‌دهنده، نظم‌آفرین و هماهنگ‌کننده اجزای آن است. ۳

بخشی از آیات و روایات نیز بر انتظام و هدفمندی حوزه خاصی از آفرینش تأکید دارند.

برخی از این حوزه‌ها عبارتند از:

الف) آفرینش انسان

و از نشانه‌های او این است که شما را از خاک آفرید؛ سپس ناگاه شما [بصورت] بشری هر سو پراکنده شدید.

(روم: ۲۰)

امام صادق(ع) نیز در بیان انتظام حاکم بر خلقت انسان و دلالت آن بر وجود خداوند فرمود: عجب است از آفریده‌ای که می‌پندارد خداوند از چشم بندگان مخفی است؛ در حالی که آثار صنع او در ترکیب محیرالعقول و تألیف قاطع خلقت خود می‌بیند! به جانم سوگند، اگر در این امور بزرگ مانند ترکیب آشکار جهان و لطافت تدبیر ظاهر در آن، پیدایش مخلوقات از عدم و تحول آنها از طبیعتی به طبیعت دیگر و از نقشی به نقش دیگر بیندیشند، دلایل وجود صانع را مشاهده خواهند کرد؛ زیرا هیچ پدیده‌ای نیست مگر اینکه در آن اثر تدبیر و ترکیب که دلالت بر خالق مدبّر می‌کند، وجود دارد و تألیف مدبّرانه آن انسان را به خدای واحد حکیم رهنمون می‌سازد.^۴

^۳ علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۳، ص ۶۱، به نقل از توحید مفضل

^۴ بحارالانوار، ج ۳، ص ۱۵۲.

ب) اختلاف زبان ها و رنگ ها :

و از نشانه‌های او آفرینش آسمان‌ها و زمین و اختلاف زبان‌های شما و رنگ‌های شماست. قطعاً در این [امر] برای دانشوران نشانه‌هایی است. (روم: ۲۲)

امام صادق(ع) در تعلیم بلند توحیدی خود به مفضل می‌فرماید:

ای مفضل! بنگر که چگونه خداوند به آدمی نعمت سخن گفتن عطا کرد و او می‌تواند با این نیرو آنچه را که در نهان و قلب دارد بازگوید و اندیشه‌اش را بیان نماید و از درون مردم آگاه شود. اگر این توان نطق در او نبود، هر آینه به یک حیوان چارپا می‌مانست که نه می‌توانست دیگران را از درون و اندیشه‌های خود آگاه سازد و نه از درون دیگران با خبر شود.^۵

ج) نظام زوجی عالم :

و از نشانه‌های او این است که از خودتان همسرانی برای شما آفرید تا بدانها آرام گیرید و میانتان دوستی و رحمت نهاد. آری، در این امر برای اندیشمندان نشانه‌هایی است. (روم: ۲۱)

و از هر چیز دو گونه [نر و ماده] آفریدیم؛ باشد که عبرت گیرید. (ذاریات: ۴۹)

[خداوند] روشنی را ضد تاریکی ساخت و ظهور را ضد خفا و خشکی را در مقابل تری و سرما را در مقابل گرما قرار داد. او سازواری‌های طبیعت را سازواری‌دهنده و امور نزدیک را از یکدیگر جداکننده است تا جدایی آنها بر جداکننده و ترکیب آنها بر ترکیب‌کننده [یعنی خدا] دلالت کند و این است معنای سخن خداوند که: « و از هر چیزی دو گونه آفریدیم؛ باشد که عبرت گیرید».^۶

د) ایجاد حیات :

خداوند شکافنده دانه و هسته است. زنده را از مرده و مرده را از زنده بیرون می‌آورد. چنین است خدای شما. پس چگونه [از حق] منحرف می‌شوید؟

امیرمؤمنان، علی(ع) در تأکید این مطلب که آفرینش موجود زنده از آیات بزرگ الهی است، می‌فرماید:

و اگر همه موجودات زنده، اعم از پرندگان و چهارپایان ... و انواع گوناگون هوشمند یا کم‌هوش جانداران گرد هم آیند، هرگز قدرت ایجاد پشه‌ای را نخواهند داشت و راه ایجاد آن را نتوانند شناخت و عقول آنها در راه یافتن به اسرار این موجود، سرگشته خواهد ماند.^۷

ه) رویش گیاهان :

و اوست کسی که از آسمان آبی فرود آورد؛ پس بوسیله از هرگونه گیاهی برآوردیم و از آن جوانه‌ی سبزی خارج ساختیم که از آن دانه‌های متراکمی برمی‌آوریم و از شکوفه‌ی درخت خرما خوشه‌هایی است نزدیک به هم و باغ‌هایی از انگور و زیتون و انار - همانند و غیر همانند - خارج نمودیم. به میوه‌ی آن وقتی ثمر دهد و به [طرز] رسیدنش بنگرید. قطعاً در اینها برای مؤمنان نشانه‌هایی است. (انعام: ۹۹)

^۵ بحارالانوار، ج ۳، ص ۸۲

^۶ شیخ صدوق، التوحید، باب دوم، حدیث ۲، شبیه این مضمون از امام علی(ع) نیز روایت شده است؛ ر.ک: نهج البلاغه، خطبه ۱۸۶.

^۷ نهج البلاغه، خطبه ۱۸۶.

درباره اسرار آفرینش گیاهان و دلالت آن بر وجود پروردگار حکیم، از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود:
در آفرینش درختان و انواع گیاهان بنگر. از آنجا که درخت نیز مانند حیوان همواره به غذا محتاج است و از طرفی
مانند حیوان دهان و حرکت ندارد که غذا را بگیرد، ریشه‌های آن در دل زمین فرو رفته است تا غذا را [از اعماق زمین]
بگیرد و به شاخ و برگ و میوه رساند. پس زمین مانند مادر پرورش‌دهنده آن است و ریشه‌ها چون دهان آن است که با
آنها غذا را از زمین می‌گیرد؛ چنان که حیوانات کودکان خود را شیر می‌دهند.^۸

(و) جهان پرندگان :

آیا به سوی پرندگانی که در فضای آسمان رام شده‌اند ننگریسته‌اند؟ جز خدا کسی آنها را نگاه نمی‌دارد. راستی در این
(قدرت‌نمایی) برای مردمی که ایمان می‌آورند، نشانه‌هایی است. (نحل: ۷۹)
مواردی که در بالا اشاره شد، تنها بخش بسیار کوچکی از مجموعه‌ی بزرگ آیات و روایاتی است که در بیان نشانه‌های
وجود خداوند و علم و قدرت نامتناهی او به ما رسیده است و به دلیل اجتناب از طولانی شدن بحث، به همین مقدار
بسند می‌کنیم.

^۸ بحارالانوار، ج ۳، ص ۱۳۰.

برهان نظم :

پس از بررسی راه فطرت به عنوان راهی درونی برای شناخت خدا، اینک لازم است به بررسی راه تجربه بپردازیم. همان گونه که گفتیم، مقصود از راه تجربه در این جا، آن است که آدمی با مطالعه در جهان پیرامون خویش به وجود خداوند رهنمون گردد. شایان ذکر است که با توجه به امتیازات ویژه ای در این راه (که به آن اشاره خواهیم کرد) قرآن کریم توجه خاصی را به آن مبذول داشته و در آیات زیادی، آدمی را به تدبیر در سایر پدیده های عالم، به مثابه آیات و نشانه های تکوینی خداوند فرا خوانده است. با این حال، چنین به نظر می رسد که حکیمان و متکلمان اسلامی آنچنان که شایسته است بر این راه عمومی و هموار خداشناسی تاکید نورزیده اند.

خداشناسی مبتنی بر مطالعه تجربی پدیده ها و موجودات عالم هستی معمولاً در غالب «برهان نظم» (دلیل نظم) مطرح می شود. پیش از توضیح این برهان لازم است چند نکته را یادآور شویم :

۱. با مروری کوتاه بر آرای حکیمان متکلمان مسلمان در این باب، به خوبی روشن می شود که در ماهیت، مقدمات آنچه که معمولاً «برهان نظم» یا برهان «اتقان صنع» نامیده می شود، اختلاف نظر شدیدی وجود دارد. گروهی آن را استدلالی عقلی که از مقدمات تجربی سود میبرد، میدانند و گروهی دیگر آن را صرفه بیانی برای بیدار کردن فطرت های خفته و یادآوری معرفت فطری انسان به خدای خویش بشمار می آورد.

همچنین درباره مقدمات (مبادی تصویری و تصدیقی) این برهان نیز دیدگاه های متعددی وجود دارد. برای مثال، معانی مختلفی برای «نظم» در نظر گرفته شده است. و در اینکه چگونه می توان از وجود پدیده های منظم به شناخت خدا رسید، اتفاق نظری وجود ندارد. از سوی دیگر، گروهی این برهان را برای اثبات اصل وجود خدا بکار میگیرند و جمعی دیگر، آن را صرفاً برای اثبات برخی صفات الهی، مانند صفت علم و حکمت، کارآمد میدانند.^۲

۲. همانگونه که گفتیم، برهان نظم، خواه آن را استدلالی برهانی بشمار آوریم یا صرفاً دلیل اقناعی یا جدلی قلمدادی کنیم، به دلیل ویژگی های خاص خود همواره مورد اقبال خاص و آن بوده است برخی از این ویژگی ها از این قرار است :

الف) ارتباط نزدیک مقدمات این برهان با شرایط تجربی و ملموس و گاه شگفت انگیز باعث شده که به راحتی اندیشه ها را به خود جلب کند و با وجدان عمومی انسانها پیوندی عمیق برقرار نماید.

ب) خالی بودن برهان نظم از مفاهیم و قواعد پیچیده فلسفی کار فهم را برای عموم آسان کرده و آن را از پیچیدگی های رایج عدله فلسفی محفوظ داشته است.

ج) نزدیکی مذموم این برهان با محتوای بسیاری از آیات قرآنی از یکسو سبب انس و الفت خاص متدینان با آن شده است و از سوی دیگر تأکیدی است بر هماهنگی و همخوانی عقل و وحی.

۱. هر چند گروهی از محققان، خداشناسی مبتنی بر نظم را «برهان» (به معنای دقیق کلمه)، به دلیل شیوع استعمال اصطلاح «برهان نظم»، ما با صرف نظر از مخالفت یاد شده، از تعبیر «برهان» استفاده می کنیم.

۲. برای مقایسه آرای برخی اندیشمندان معاصر ر. ک: علامه طباطبایی: المیزان، ج ۱۸، ص ۱۵۴؛ شهید مطهری، علل گرایش به مادگرایی (مجموعه آثار، ج ۱ ص ۵۳۷-۵۵۱)؛ مصباح یزدی، محمد تقی، آموزش عقاید، ج ۱-۲ ص ۶۶-۷۶؛ سبحانی، جعفر، الهیات علی هدی الکتاب والسنه والعقل، ج ۱، ص ۳۳-۵۹؛ جوادی آملی، عبدالله، تبیین براهین اثبات خدا، ص ۲۳۸-۲۴۳.

ه) با توجه به ویژگی های یاد شده ، برهان نظم - در مقایسه با دیگر براهین خداشناسی بخش موثری در تقویت ایمان دینی متدینان ایفا میکند.

۳. برهان نظم ، به رغم امتیازات فراوانش ، در منابع کهن کلامی چندان مورد توجه جدی متکلمان قرار نگرفته و در بسیاری از منابع کلامی ذکری از آن به میان نیامده است . از معدود کسانی که به برهان نظم اشاره کرده اند میتوان به فخر رازی از متکلمان اشعری و محقق لاهیجی از متکلمان امامیه اشاره کرد . فخر رازی در کتاب المطلب العالیه تقریر های مختلفی از دلیل نظم را مطرح میکند ؛ اما به اعتقاد او ، این عدله تنها در صورت انضمام و دیگر عدله خداشناسی موجب یقین به وجود خداوند میشود . محقق لاهیجی نیز ، در کتاب گوهر مراد ، پس از اثبات اینکه نظام هستی نظام احسن است ، آن را دلیلی بر حکیم بودن خداوند (نه اصل وجود او) میدانند .

نظم چیست؟

قبل از توضیح برهان نظم و بررسی آن لازم است نظری به معنای نظم در این بحث داشته باشیم. با تأمل در معنای لغوی و کاربردهای زبانی واژه «نظم» به این نتیجه می‌رسیم که برای تحقق نظم وجود سه عنصر ضرورت دارد:

۱. مجموعه‌ای از چند شیء

۲. عامل پیوند دهنده‌ی اشیاء مزبور

۳. آرایش و ترتیب خاص بین آنها

به عبارت دیگر هر جا سخن از نظم به میان آید، با مجموعه‌ای سر و کار داریم که عامل خاصی اجزای آن مجموعه را به هم پیوند داده و آرایش و ترتیب ویژه‌ای در میان آنها برقرار کرده است. به عبارت فنی‌تر نظم از مقولات ثانی فلسفی است که برای فراهم آمدن منشاء انتزاع آن باید امور یاد شده محقق شوند. با توجه به این معنای عام، نظم اقسام کلی متعددی می‌یابد که در این میان آنچه در برهان نظم مورد نظر است نوع خاصی است که برای تحقق آن باید:

۱. مجموعه‌ای از اشیاء مادی داشته باشیم؛

۲. اعضای این مجموعه به صورت طبیعی (بدون دخالت عوامل انسانی یا دیگر مخلوقات ذی‌شعور خداوند) در کنار هم قرار گرفته باشند؛

۳. اعضای این مجموعه با یکدیگر کاملاً هماهنگ بوده؛ غایت و هدف خاصی را دنبال کنند.

بنابراین، وقتی در برهان نظم سخن از نظم موجود در جهان به میان می‌آوریم، مقصود ما نظم است که خصوصیات یاد شده را داشته باشد.

تقریر ساده ای از برهان نظم :

صورت ساده برهان نظم از دو مقدمه تشکیل می‌یابد:

۱. عالم طبیعت پدیده‌ای منظم (دارای نظم) است.

۲. هر پدیده منظمی دارای ناظمی مدبّر و با شعور است.

نتیجه ترکیب دو مقدمه فوق آن است که عالم طبیعت، ناظمی مدبّر و با شعور (یعنی همان خداوند) دارد.

همان‌گونه که گفتیم در تفسیر هریک از دو مقدمه برهان نظم استدلال و نیز در تعیین نتیجه‌ای که از آن به دست می‌آید، اختلاف نظر وجود دارد که در اینجا تنها به بخشی از آن که دخالت بیشتری در بحث ما دارد اشاره می‌کنیم:

مقدمه نخست برهان نظم :

مقدمه نخست استدلال به چند صورت مختلف تفسیر شده است:

الف) مقصود از منظم بودن عالم طبیعت آن است که بر تمام جهان به مثابه یک «کل»، نظام واحدی حکم فرماید و تمام جزای آن با یکدیگر هماهنگی و همخوانی کامل دارند و همگی هدف واحدی را دنبال می‌کنند. در این تفسیر، کل جهان طبیعت همانند انسانی است که تمام اعضاء و جوارح او، بلکه تمام سلول‌های بدنش، در طرحی هماهنگ و منظم عمل می‌کند و با یکدیگر رابطه‌ای متقابل دارند و هدفی واحد را پی‌گیری می‌نمایند.

ب) جهان مجموعه‌ای از مجموعه‌های هماهنگ و منظوم است. بر اساس این تفسیر، تک‌تک پدیده‌های جهان، بدون استثنا، منظمند و در هریک که بنگریم، مجموعه‌ای نظام‌مند می‌یابیم که اجزای آن، در پرتو هماهنگی با یکدیگر، هدف واحدی را دنبال می‌کنند. از خردترین ذرات مادی گرفته تا ستارگان و کهکشان‌ها، کوه‌ها، دریاها، گیاهان، حیوانات و بالاخره بدن انسان‌ها، هر کدام مجموعه‌ای منظم و هدفمندند که با هماهنگی درونی شگرفی به ساز و کار خود ادامه می‌دهند.

ج) بخشی از پدیده‌های جهان طبیعت، منظمند. در این تفسیر، تکیه بر آن است که فی الجمله در عالم طبیعت پدیده‌های منظمی وجود دارد. این تفسیر اصراری بر اثبات منظم بودن همه پدیده‌های عالم نمی‌ورزد و معتقد است که برای نتیجه‌گیری از برهان نظم لازم نیست عالم را یک کل منظم و هماهنگ (تفسیر اول) و یا حتی مجموعه‌ای از پدیده‌های منظم (تفسیر دوم) بدانیم؛ بلکه همین قدر که در گوشه و کنار عالم اشیا و پدیده‌های منظمی بیابیم، برای اثبات مدعی ما کافی است.

به هر تقدیر در مقدمه نخست برهان نظم، بر اساس شواهد تجربی و مشاهدات عینی عالم خارج، ادعا می‌شود که جهان، به یکی از سه معنای یاد شده منظم است.

مقدم دوم برهان نظم :

در مقدمه دوم ادعا می‌شود که وجود هر پدیده منظمی مستلزم وجود موجود با شعور و مدبری است که بر اساس آگاهی و علم خویش، اجزای درونی پدیده مزبور را با هماهنگی و آرایش خاص و به منظور وصول به هدف مشخصی در کنار هم نهاده و آن را بر اساس طرح حکیمانه‌ای منظم ساخته است. بنابراین، در مقدمه دوم ادعا می‌شود که بین وجود نظم و وجود ناظم (نظم‌دهنده) با شعور و حکیم، نوعی ملازمه وجود دارد.

از آن جا که این ملازمه بدیهی نیست، لاجرم باید آن را با دلیل دیگری اثبات کرد و بخشی از اختلالات موجود در میان محققان، به نحوه اثبات این مقدمه مربوط می‌شود. ما در میان روش‌های مختلفی که برای اثبات ملازمه بین وجود پدیده منظم و وجود ناظم با شعور به کار گرفته شده است، به روش عقلی اشاره می‌کنیم:

برای اثبات عقلی مقدمه دوم می‌توان گفت که براساس قانون علیّت، نه تنها وجود معلول از وجود علت حکایت می‌کند، بلکه ویژگی‌های معلول نیز بیانگر اوصاف علت است. بر این اساس، عقل آدمی (با توجه به قانون علیّت) حکم می‌کند که پدیده منظم نه تنها علتی دارد بلکه علت آن باید موجودی باشعور، حکیم و مدبر باشد؛ زیرا اجزای یک

مجموعه منظم باید به ترتیب خاصی در کنار هم قرار گیرند تا بتوانند با هماهنگی هدف مطلوب را تأمین کنند. بدیهی است که این ترتیب خاص باید بر اساس طرح مدبرانه‌ای انجام پذیرد؛ چرا که در موارد بسیاری، تعداد حالت های تألیفی محتمل بسیار زیاد است و گزینش یکی از این حالت‌ها، بدون دخالت شعور و آگاهی ممکن نیست.

نتیجه گیری از برهان نظم :

تا کنون وضعیت دو مقدمه اصلی برهان نظم تا حدودی روشن شد. هماهنگی که گفتیم، در مقدمه نخست، بحث بر سر پدیده‌های طبیعی منظم است که بدون دخالت انسان انتظام یافته، با هماهنگی اجزای درونی خود غایت خاصی را دنبال می‌کنند. از این رو، به انضمام مقدمه دوم می‌توان وجود ناظم با شعور و حکیمی را که نظام‌بخش کل عالم طبیعت یا دست کم پدیده‌های منظم موجود در آن است، ثابت کرد. حال این سؤال مطرح می‌شود که آیا اثبات چنین موجودی مساوی با اثبات خداوند است؟

در پاسخ به این پرسش، گروهی معتقدند که این استدلال نمی‌تواند اصل وجود خدا را ثابت کند؛ بلکه تنها ثمره آن این است که نشان می‌دهد خداوند دارای علم و حکمت و تدبیر است.

اما رأی دیگر آن است که این برهان در اثبات وجود خداوند کامیاب است؛ منتها خداوند را نه بعنوان «واجب الوجود» یا «محرک نخستین» یا «محدث (احداث کننده) جهان»، بلکه بعنوان «ناظم جهان» ثابت می‌کند.

بنابراین، نتیجه برهان نظم اثبات این مطلب است که موجودی ماورای طبیعت وجود دارد که بر اساس علم و آگاهی خویش، عالم طبیعت و پدیده‌های موجود در آن را انتظام می‌بخشد و از میان وضعیت‌های ممکن بی‌شمار، وضعیت خاصی را در جهان مقرر می‌کند که بر اساس آن، پدیده‌های عالم به صورت منظم و هماهنگ، اهداف خاصی را پی می‌گیرند ... و این موجود کسی جز خداوند نیست.

با توجه به آنچه گفته شد، معلوم می‌شود که برهان نظم، اوصاف دیگر خداوند، مانند «وجوب وجود» یا «توحید (وحدانیت)» را ثابت نمی‌کند؛ اما نباید این واقعیت را نقصی برای این برهان به شمار آورد؛ زیرا هدف آن اثبات همه‌ی اوصاف الهی نیست و اساساً چنین نتیجه‌ای را از هیچ برهان دیگری نیز نمی‌توان انتظار داشت.

اگر بخواهیم نتیجه نهایی این بحث را به صورت فشرده بیان کنیم، باید بگوییم جهان طبیعت یا دست کم بخشی از پدیده‌های آن، مجموعه‌ای منظم است؛ به این معنا که ترتیب اجزای آن و پیوند آنها به گونه‌ای است که اهداف مشخص و غایات خاصی را دنبال می‌کند. پدیده‌های منظم عالم طبیعت بسیار فراوانند و آدمی انتظام و هدفمندی را در حوزه بسیار وسیعی می‌یابد. از کوچکترین ذرات هسته‌ای تا بزرگترین کهکشان‌ها همگی بر اساس نظام خاصی عمل می‌کنند و کوه‌ها و دریاها و گیاهان و حیوانات و ... هماهنگی خاصی را به نمایش می‌گذارند.

این انتظام غایتمندانه که جلوه‌های آن را در سرتاسر عالم می‌توان یافت، حاکی از وجود ناظم مدبری است که از ورای طبیعت به آن انتظام می‌بخشد و این ناظم کسی جز خدا نیست.

برهان نظم در قرآن:

قرآن کریم در آیات بسیاری از پدیده‌های مختلف طبیعی یاد می‌کند و آنها را «آیه» و نشانه‌ای بر وجود خداوند می‌داند و انسان را به تدبیر و تأمل در آن فرا می‌خواند تا شاید از این طریق به معرفت خدای خویش نائل گردد. این شناخت که گاه از آن به «شناخت آیه‌ای» تعبیر می‌شود، با آنچه که در برهان نظم دنبال می‌شود، قرابتی تام دارد. پیش از آن که

نمونه‌هایی از این آیات را ذکر کنیم، جا دارد این مطلب را متذکر شویم که در تفسیر این آیات و جایگاه آنها چند دیدگاه مختلف وجود دارد:

الف) گروهی از محققان، این آیات را مقدماتی برای تشکیل یک استدلال عقلی (شبه آنچه که در تبیین برهان نظم گفتیم) بر وجود خداوند و علم و حکمت او می‌دانند.

ب) بر اساس تفسیر دیگری، این دسته از آیات صرفاً موجب یادآوری معرفت فطری انسان به خدای خویش می‌شوند و شأنی جز تذکر و غفلت‌زدایی ندارند.

ج) رأی سومی بر آن است که این آیات درصدد جدال احسن با مشرکان است؛ مشرکانی که به غلط بت‌ها و معبودهای دروغین خود را در کار تدبیر برخی امور دنیا دخیل می‌دانستند و درک درستی از توحید ربوبی خداوند نداشتند.

پس از اشاره‌ای کوتاه به دیدگاه‌های مختلف در تعیین جایگاه شناخت آیه‌ای، اینک برخی از آیات قرآنی این باب را مرور می‌کنیم و به منظور رعایت اختصار، در هر مورد به ذکر نمونه‌ای اکتفا می‌کنیم و برای انسجام بیشتر بحث، در ذیل هر آیه روایتی متناسب با آن را می‌آوریم.

گروهی از آیات، انسان را به تفکر در نشانه‌ها و آیات تکوینی خداوند در سراسر هستی فرا می‌خوانند: مسلماً در آفرینش آسمانها و زمین و در پی یکدیگر آمدن شب و روز برای خردمندان نشانه‌هایی است. (آل عمران:

۱۹۰)

در حدیث جامعی از امام صادق(ع) می‌خوانیم:

ای مفضل! نخستین عبرت و دلیل بر خالق - جلّ و علا - هیأت بخشیدن به این عالم و گردآوری اجزا و نظم آفرینی در آن است؛ زیرا اگر با اندیشه و خرد در کار عالم، نیک و عمیق تأمل کنیم هر آینه آن را چون خانه و سرایی می‌یابی که تمام نیازهای بندگان خدا در آن آماده و گرد آمده است. آسمان، همانند سقف، بلند گردانیده شده؛ زمین به سان فرش گسترانیده شده؛ ستارگان چون چراغهایی چیده شده و گوهرها همانند ذخیره‌هایی در آن نهفته شده و همه چیز در جای شایسته خود چیده شده است. آدمی نیز چون کسی که این خانه را به او داده‌اند و همه چیز آن را در اختیارش نهاده‌اند. همه نوع گیاه و حیوان برای رفع نیاز و صرف در مصالح او در آن مهیاست. اینها همه دلیل آن است که جهان هستی با اندازه‌گیری دقیق و حکیمانه و نظم و تناسب و هماهنگی آفریده شده و آفریننده آن یکی است و او همان شکل‌دهنده، نظم‌آفرین و هماهنگ‌کننده اجزای آن است. ۳

بخشی از آیات و روایات نیز بر انتظام و هدفمندی حوزه خاصی از آفرینش تأکید دارند.

برخی از این حوزه‌ها عبارتند از:

الف) آفرینش انسان

و از نشانه‌های او این است که شما را از خاک آفرید؛ سپس ناگاه شما [بصورت] بشری هر سو پراکنده شدید.

(روم: ۲۰)

امام صادق(ع) نیز در بیان انتظام حاکم بر خلقت انسان و دلالت آن بر وجود خداوند فرمود: عجب است از آفریده‌ای که می‌پندارد خداوند از چشم بندگان مخفی است؛ در حالی که آثار صنع او در ترکیب محیرالعقول و تألیف قاطع خلقت خود می‌بیند! به جانم سوگند، اگر در این امور بزرگ مانند ترکیب آشکار جهان و لطافت تدبیر ظاهر در آن، پیدایش مخلوقات از عدم و تحول آنها از طبیعتی به طبیعت دیگر و از نقشی به نقش دیگر بیندیشند، دلایل وجود صانع را مشاهده خواهند کرد؛ زیرا هیچ پدیده‌ای نیست مگر اینکه در آن اثر تدبیر و ترکیب که دلالت بر خالق مدبر می‌کند، وجود دارد و تألیف مدبرانه آن انسان را به خدای واحد حکیم رهنمون می‌سازد.^۴

ب) اختلاف زبان ها و رنگ ها :

و از نشانه‌های او آفرینش آسمان‌ها و زمین و اختلاف زبان‌های شما و رنگ‌های شماست. قطعاً در این [امر] برای دانشوران نشانه‌هایی است. (روم: ۲۲)

امام صادق(ع) در تعلیم بلند توحیدی خود به مفضل می‌فرماید:

ای مفضل! بنگر که چگونه خداوند به آدمی نعمت سخن گفتن عطا کرد و او می‌تواند با این نیرو آنچه را که در نهان و قلب دارد بازگوید و اندیشه‌اش را بیان نماید و از درون مردم آگاه شود. اگر این توان نطق در او نبود، هر آینه به یک حیوان چارپا می‌مانست که نه می‌توانست دیگران را از درون و اندیشه‌های خود آگاه سازد و نه از درون دیگران با خبر شود.^۵

ج) نظام زوجی عالم :

و از نشانه‌های او این است که از خودتان همسرانی برای شما آفرید تا بدانها آرام گیرید و میانتان دوستی و رحمت نهاد. آری، در این امر برای اندیشمندان نشانه‌هایی است. (روم: ۲۱)

و از هر چیز دو گونه [نر و ماده] آفریدیم؛ باشد که عبرت گیرید. (ذاریات: ۴۹)

[خداوند] روشنی را ضد تاریکی ساخت و ظهور را ضد خفا و خشکی را در مقابل تری و سرما را در مقابل گرما قرار داد. او سازواری‌های طبیعت را سازواری‌دهنده و امور نزدیک را از یکدیگر جداکننده است تا جدایی آنها بر جداکننده و ترکیب آنها بر ترکیب‌کننده [یعنی خدا] دلالت کند و این است معنای سخن خداوند که: « و از هر چیزی دو گونه آفریدیم؛ باشد که عبرت گیرید».^۶

د) ایجاد حیات :

خداوند شکافنده دانه و هسته است. زنده را از مرده و مرده را از زنده بیرون می‌آورد. چنین است خدای شما. پس چگونه [از حق] منحرف می‌شوید؟

امیرمؤمنان، علی(ع) در تأکید این مطلب که آفرینش موجود زنده از آیات بزرگ الهی است، می‌فرماید:

^۴ بحارالانوار، ج ۳، ص ۱۵۲.

^۵ بحارالانوار، ج ۳، ص ۸۲.

^۶ شیخ صدوق، التوحید، باب دوم، حدیث ۲، شبیه این مضمون از امام علی(ع) نیز روایت شده است؛ ر.ک: نهج البلاغه، خطبه ۱۸۶.

و اگر همه موجودات زنده، اعم از پرندگان و چهارپایان ... و انواع گوناگون هوشمند یا کم‌هوش جانداران گرد هم آیند، هرگز قدرت ایجاد پشه‌ای را نخواهند داشت و راه ایجاد آن را نتوانند شناخت و عقول آنها در راه یافتن به اسرار این موجود، سرگشته خواهد ماند.^۷

ه) رویش گیاهان :

و اوست کسی که از آسمان آبی فرود آورد؛ پس بوسیله از هرگونه گیاهی برآوردیم و از آن جوانه‌ی سبزی خارج ساختیم که از آن دانه‌های متراکمی برمی‌آوریم و از شکوفه‌ی درخت خرما خوشه‌هایی است نزدیک به هم و باغ‌هایی از انگور و زیتون و انار - همانند و غیر همانند - خارج نمودیم. به میوه‌ی آن وقتی ثمر دهد و به [طرز] رسیدنش بنگرید. قطعاً در اینها برای مؤمنان نشانه‌هایی است. (انعام: ۹۹)

درباره اسرار آفرینش گیاهان و دلالت آن بر وجود پروردگار حکیم، از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود: در آفرینش درختان و انواع گیاهان بنگر. از آنجا که درخت نیز مانند حیوان همواره به غذا محتاج است و از طرفی مانند حیوان دهان و حرکت ندارد که غذا را بگیرد، ریشه‌های آن در دل زمین فرو رفته است تا غذا را [از اعماق زمین] بگیرد و به شاخ و برگ و میوه رساند. پس زمین مانند مادر پرورش‌دهنده آن است و ریشه‌ها چون دهان آن است که با آنها غذا را از زمین می‌گیرد؛ چنان که حیوانات کودکان خود را شیر می‌دهند.^۸

و) جهان پرندگان :

آیا به سوی پرندگانی که در فضای آسمان رام شده‌اند ننگریسته‌اند؟ جز خدا کسی آنها را نگاه نمی‌دارد. راستی در این (قدرت‌نمایی) برای مردمی که ایمان می‌آورند، نشانه‌هایی است. (نحل: ۷۹)

مواردی که در بالا اشاره شد، تنها بخش بسیار کوچکی از مجموعه‌ی بزرگ آیات و روایاتی است که در بیان نشانه‌های وجود خداوند و علم و قدرت نامتناهی او به ما رسیده است و به دلیل اجتناب از طولانی شدن بحث، به همین مقدار بسنده می‌کنیم.

تعاریف و اصطلاحات :

نظم
برهان نظم
شناخت آیه‌ای
چکیده مطلب

- ۱- متکلمان در ماهیت، مقدمات و نتیجه برهان نظم اختلاف نظر دارند.
- برهان نظم در مقایسه با دیگر براهین اثبات خدا از امتیازات خاصی برخوردار است. برخی از امتیازات عبارتند از: توجه اندیشه‌ها و وجدان عمومی انسانها به این برهان به دلیل تکیه مقدمات آن بر شواهد تجربی و ملموس؛ خالی بودن از مفاهیم و قواعد پیچیده فلسفی؛ سهولت فهم آن؛ نزدیکی مضمون آن با محتوای بسیاری از آیات قرآن؛ تأیید آن از سوی دستاوردهای نوین علوم تجربی و ایفای نقش جدی در توفیق ایمان دینی.
- ۲- مجموعه منظم، مجموعه‌ای است که عامل خاصی سبب پیوند اجزای آن و آرایش خاصی در میان آنها برقرار کرده است.

^۷ نهج البلاغه، خطبه ۱۸۶.

^۸ بحارالانوار، ج ۳، ص ۱۳۰.

برای اقامه‌ی برهان نظم باید مجموعه‌هایی از اشیای مادی داشته باشیم که اعضای آن بصورت طبیعی در کنار هم گرد آمده و با هماهنگی کامل، هدف خاصی را دنبال کنند.

۳- صورت ساده برهان نظم چنین است: عالم طبیعت پدیده‌ای منظم است و هر پدیده منظمی ناظم و مدبّر با شعوری دارد؛ در نتیجه، عالم طبیعت ناظمی مدبّر دارد (که خود موجودی فراطبیعی و غیرمادی است).

۴- مقدمه نخست برهان نظم به چند گونه قابل تفسیر است:

الف) کل جهان، بعنوان یک «کل» منظم است و نظام واحدی بر آن حکومت می‌کند.

ب) جهان مجموعه‌ای از مجموعه‌های منظم است.

ج) بخشی از پدیده‌های جهان منظمند.

۷- برای اثبات عقلی مقدمه دوم برهان نظم می‌توان گفت: عقل آدمی حکم می‌کند که مجموعه منظم، مستلزم وجود موجودی حکیم، با شعور و مدبّر است؛ موجودی که از میان وضعیت‌های محتمل مختلف، حالت خاصی را برگزید و اجزای مجموعه‌ی مزبور را طبق آن مرتب کرده و سامان بخشیده است. از سوی دیگر، معلول نه تنها بر وجود علت، بلکه بر خصوصیات آن نیز دلالت می‌کند و مجموعه‌ی منظم، بعنوان معلول، بیانگر آن است که موجودی با شعور و حکیم آن را ایجاد کرده است.

۸- برهان نظم، وجود خداوند را بعنوان انتظام‌بخش عالم طبیعت ثابت می‌کند و برای اثبات سایر اوصاف خداوند باید به ادله دیگری توسل جست.

۹- قرآن کریم در آیات بسیاری بر نظم موجود در پدیده‌های مختلف جهان تأکید می‌کند و انتظام و غایت‌مندی موجود در آسمان‌ها و زمین، خلقت انسان و شؤون مختلف حیات او، حیات گیاهان و حیوانات و ... را آیه و نشانه‌ای بر وجود خالق حکیم می‌داند. شناخت خداوند از طریق نشانه‌های تکوینی او در نظام هدفمند عالم، «شناخت آیه‌ای» نامیده می‌شود.